فهرست

[اصول/ حجیت اطمینان 2](#_Toc90299346)

[مقدمه 2](#_Toc90299347)

[تکمیل استدلال به حجیت اطمینان 2](#_Toc90299348)

[تفصیل مسئله 3](#_Toc90299349)

[بررسی تقسیم دوم؛ اطمینان شخصی و نوعی 4](#_Toc90299350)

[قدر متیقن در اطمینان نوعی یا شأنی 5](#_Toc90299351)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ حجیت اطمینان

# مقدمه

گفته شد در حجیت اطمینان دلیل سوم عبارت بود از سیره عقلا و عدم ردع شارع که منجر می‌شد و نتیجه می‌داد امضاء شارع نسبت به این سیره.

این استدلال محل مناقشه قرار گرفته است به چند وجهی که به آن اشاره شد.

# تکمیل استدلال به حجیت اطمینان

در تکمیل حدود دلالت این دلیل یک بحثی را بیان می‌کنیم.

علی فرض اینکه ما از این دلیل دفاع بکنیم و اشکالات و مناقشات آن را دفع بکنیم سؤال می‌شود با این دفاعی که انجام شد دلیل اطلاقی دارد و همه صور و اقسام را می‌گیرد یا اینکه این سیره چون دلیل لبی است قدر متیقن را فقط در برمی‌گیرد.

به شکل اجمالی ممکن است کسی بگوید چون دلیل لبی است باید به قدر متیقن آن اخذ کرد و در هر تقسیمی از آن تقسیمات اگر قدر متیقن وجود دارد آن قسم را می‌گیرد.

مگر اینکه طرفی التقسیم مثل هم باشد و الا سبک و سنگین داشته باشد قدر متیقن را می‌گیرد.

درعین‌حال نمی‌توانیم به این پاسخ کلی بسنده کنیم برای اینکه گاهی دلیل لبی علی‌رغم اینکه قدر متیقن دارد در یک تقسیم درعین‌حال وقتی دقت می‌کنیم می‌بینیم آن سیره در غیر قدر متیقن هم منعقد است از این جهت است که این تقسیمات را باید با این دلیل بسنجیم که کجا قدر متیقن می‌شود و کجا شمول دارد.

اینکه گفته شده است که در دلیل لبی اخذ به قدر متیقن می‌شود علی الاصول درست است نه علی الاطلاق چرا برای اینکه در مواردی قدر متیقن داریم در یک تقسیم مشمول آن دلیل لبی، ولی وقتی که به سیره و دلیل لبی مراجعه می‌کنیم می‌بینیم آن قسم را هم می‌گیرد اصلاً شواهد دارد که آنجا هم سیره منعقد است از این جهت باید دقت کرد و گفت ما پنج تقسیم گفته‌ایم و در سه یا چهار تا طرفی التقسیم متفاوت است و یکی قدر متیقن است و یکی اوسع از آن هست و این چون لبی است پس در همه جا در هر تقسیمی بگوییم قدر متیقن.

به این شکل و فله‌ای هم نمی‌شود همه را حکم کرد و تعیین تکلیف کرد بلکه باید در هر تقسیم یک دقت کرد اگر تردیدی کردیم قدر متیقن را می‌گیریم.

به‌عبارت‌دیگر اینکه گفته می‌شود که در ادله لبیه قدر متیقن را می‌گیریم این مربوط به مقام شک است اگر تردید داریم که هر دو قسم یا چند قسم را می‌گیرد یا نه و یک قدر متیقن بود و در مازاد آن تردید بود طبعاً قدر متیقن را باید بگیریم اطلاق نداریم مثل لفظ نیست که اطلاق داشته باشد و رفع تردید بکند.

اما باید دقت کرد یک جاهایی می‌بینیم تردید نمی‌ماند با یک دقت که اعمال می‌شود با آن دلیل لبی این مورد را که تردید داشتیم را هم می‌گیرد؛ و رفع شک می‌شود با مراجعه به خود دلیل نه از باب اطلاق همان جور که در لفظ می‌گوییم از باب اینکه می‌بینیم این دلیل در همین مورد مشکوک با شواهدی جاری است.

در این موارد باید علم پیدا کرد چون بحث اطمینان است باید یقین پیدا بکنیم چون هنوز فرض این است که حجیت اطمینان را ثابت نکردیم.

# تفصیل مسئله

با این مقدمات تفصیل مسئله را بررسی بکنیم.

اولین سؤال که در شمول دلیل مطرح می‌شود اطمینان متعارف و غیرمتعارف است اطمینانی است که از اسباب و علل عادی و متعارف و عرفی یا اطمینان ناشی از عوامل غیرمتعارف و غیر عرفی است. این تقسیمی بود که قبلاً داشتیم

آن اطمینان که ناشی از عوامل متعارف است و قابل فهم است این مناشئ پیدایش اطمینان این قدر متیقن است که اطلاق و مشمول دلیل هست و محل انعقاد دلیل است یعنی سیره در آن هست.

سیره آنجاهایی هست که در این قطع داریم در جاهایی که اطمینان ناشی از عوامل متعارف علی الاصول قابل فهم برای همه باشد این قدر متیقن است

اما آنجاهایی که اطمینان حاصل شده از یک مناشئ غیرعادی و غیرطبیعی با همان تقسیماتی که قبلاً داشتیم اقسامی داشت مناشئ غیرطبیعی مادی باشد یا فرا مادی باشد این محل تردید است

اینجا به نظر می‌آید باید قدر متیقن را بگیریم علت این است که اینجا باید قطع داشته باشیم که سیره در این طرف هست این بحث ما اطمینان برای ما کافی نیست باید قطع داشته باشیم که سیره عقلاییه بر اعتماد بر اطمینان ناشی از علل و عوامل غیرمتعارف است و هذا مقطوع العدم است یعنی وجود قطع حتماً نیست انسان قطع به عدم قطع دارد.

حتی اگر اطمینان هم داشته باشد کافی نیست از این جهت است که این دلیل در این تقسیم باید قدر متیقن را بگیریم و آن جایی که اطمینان متعارف و عرفی باشد و لذا اطمینان ناشی از علل و عوامل غیرمتعارف نمی‌تواند مورد اعتماد قرار بگیرد و مورد حجیت باشد.

از این جهت است که تکلیف خیلی از این چیزها معلوم می‌شود، استخاره، خواب، رمل، اسطرلاب اینها هیچ‌کدام حجت نیست.

برای این‌که اینها معمولاً قطع نمی‌آورد و حالت اطمینانی است و این اطمینان‌ها ناشی از عوامل متعارف نیست و انعقاد سیره در حجیت اطمینان در همه اینها مشکوک هست حتی مظنون و مطمئن به باشد کافی نیست باید قطع باشد و مسلماً چنین قطعی در شمول سیره در اینها نیست از این جهت اینها اعتبار و حجیت ندارد اطمینان‌های از عوامل غیرمتعارف اعتباری ندارد.

معمولاً در اینها اطمینان است و قطع نیست که بگوییم قطع قطاع است یا قطع غیرعادی و غیرمتعارف است. غالباً اطمینان‌هایی است که برای اشخاص به طرق غیرمتعارف ایجاد می‌شود

این اطمینان حتی اگر نوعی باشد یعنی این علل غیرمتعارف به شکل شأنی طوری است که به دست هر کسی بدهید نوعی اطمینان پیدا می‌کند با نمی‌توان گفت این حجت است حتی اگر این اطمینان غیرمتعارف از چیزهایی باشد که نوعی باشد.

این آثار خیلی مهم و برجسته‌ای دارد این از تقسیم اول.

# بررسی تقسیم دوم؛ اطمینان شخصی و نوعی

در تقسیم دوم بحث انقسام اطمینان به شخصی و نوعی مطرح می‌شود در اینجا همان‌طور که در سابق گفتیم ابتدائاً سه نوع و سه قسم متصور است.

1- گاهی اطمینان نوعی و شخصی است یعنی جایی این مکلف اطمینان پیدا کرده است و این مطلب به‌گونه‌ای است که دست هر کس بدهید او هم این اطمینان را پیدا می‌کند. ناشی از یک علل و عواملی است که دست هر کسی بدهید او اطمینان پیدا می‌کند او هم از لحاظ روان‌شناختی در یک حالت عادی است در اینجا اطمینان شخصی و نوعی بر هم منطبق شده است هم این شرایط به‌گونه‌ای است که هر کسی در آن قرار بگیرد و مطلع شود اطمینان برای او حاصل می‌شود این شخص در حالت عادی و متعارفی است که این اطمینان نوعی برای او هم حاصل شده است او هم همگام با آن اطمینان متعارف نوعی است.

2- گاهی فقط اطمینان نوعی است این مسئله طوری است که اگر دست هر کسی بدهید به طور شرایط عادی و عرفی، مردم اطمینان پیدا می‌کنند با دیدن ده شاهد اطمینان پیدا می‌کنند اما این شخص دچار یک وسواس است یک دقت‌هایی است و به دلیل آن وضع خاص روان‌شناختی که دارد ممکن است آن جنبه ناهنجاری داشته باشد و یا نه بهنجار هم هست ولی یک آدم متفاوت است با فضای کلی عرف است و برای او اطمینان حاصل نمی‌شود اینجا اطمینان نوعی هست ولی شخص او اطمینان ندارد.

3- حالت سوم به عکس این است و آن کم نیست و آن این است که شخص به دلایل روان‌شناختی و روحی در یک مواردی به یک اطمینان می‌رسد درحالی‌که همین شرایط به عرف عام متعارف بدهید به اطمینان نمی‌رسد اطمینان شخصی دون نوعی.

در اینجا قدر متیقن قسم اول است که هم نوعی و هم شخصی است متعارف این است او هم همان فضای متعارف برای او پیدا می‌شود و این حجت است برای هر کسی که برای او حاصل شد حجت است این قسم سوم که اطمینان شخصی است و نوعی نیست شخصی است که ناشی از یک نوع تفاوت غیرعادی با دیگران است نه آن فهم خیلی عالی. تفاوت روحی و روان‌شناختی است به نظر می‌آید دلیل لبی این را نمی‌گیرد؛ و این قطع داشته باشیم که سیره در اطمینان شخصی فردی که نه به خاطر فهم بالاست که اگر در دسترس دیگران قرار بگیرد همراه می‌شوند نه به خاطر یک تفاوت روحی و روان‌شناختی است که با دیگران دارد.

این نوع از قسم سوم حتماً مشمول این نیست یعنی ما باید قطع داشته باشیم که سیره در این هست و این قطع را نداریم و این کافی است برای اینکه از حجیت ساقط بشود.

اما قسم دوم که یک حالت میانه‌ای است باید یک مداقه‌ای داشته باشیم آنجایی که نوعاً اطمینان پیدا می‌کنند ولی او اطمینان شخصی پیدا نمی‌کند این در دست هر کسی باشد با این شواهد می‌گوید این آقا عادل است اطمینان به عدالت او پیدا می‌کند ولی برای او این شواهد تمام نیست این هم حالت دوم بود

اینجا ابتدا ممکن است کسی بگوید ما قطع داریم که اطمینان حجت است ولی این‌جور قطعی اینجا نیست آنجا که شخص نتوانست مسئله را برای خود هضم بکند می‌گوییم برای تو هم آن که دیگران برایشان اطمینان است برای تو حجت است ممکن است نباشد و هر کسی تابع خودش باشد ولو اینکه اطمینان یک مقدار بیشتری اینجا هست که این حجت است ولی اگر اطمینان هم باشد کافی نیست باید قطع باشد.

در تقسیم دوم هم ما از سه قسم فقط یک قسم را مشمول سیره و دلیل حجیت می‌دانیم.

در تقسیم که متعارف و غیرمتعارف بود دو قسم بود که گفتیم متعارف حجت است.

در تقسیم سوم هم سه قسم است می‌گوییم قسم اول معتبر است و مشمول دلیل است بیشتر از آن را تردید داریم.

تقسیم سوم همان فعلی و شأنی بود تقسیم تابعی از تقسیم ثانوی است که نوعی است گفتیم نوعی که در بحث قبل گفتیم نوعی و شخصی که قسم اول از سه قسم بود آن مصداق قطعی حجیت است.

# قدر متیقن در اطمینان نوعی یا شأنی

در تقسیم سوم می‌گوییم اینکه شما گفتید هم نوعی باشد و هم شخصی و نوعیت اطمینان را حجت دانستید این نوعی فعلی را می‌گویید یا نوعی اعم از فعلی و شأنی، نوعی شأنی را هم در برمی‌گیرد.

قدر متیقن نوعی فعلی است اما شأنی چطور؟

اینجا به نظرم فراتر از قدر متیقن سیره هست اگر انسان قطع دارد که عقلا می‌گوید اگر این اطمینان نوعی حاصل می‌شود ما به آن توجه می‌کنیم ولی این اطمینان نوعی یعنی اینکه بالفعل باشد یا اینکه علی فرض اطلاع آن‌ها به این مبادی و مبانی آن‌ها اطمینان پیدا می‌کنند به نظر می‌آید اینجا قطع دارد. فرقی ندارد نوعی که میگوییم لو فرضنا اگر اینها مطلع از این بشوند این حال برای آن‌ها ایجاد می‌کند واقعیت فرقی ندارد یقین دارد که اگر همه بدانند این طور است

منتها این را باید یقین داشته باشد که لو وقعوا در این محیط و در این اجواء آن‌ها اطمینان پیدا می‌کنند از این جهت است که هم فعلی را می‌گیرد و هم شأنی را، منتها آن جایی که شأنی قطع دارد که اگر آن‌ها در این اجواء قرار بگیرند به اطمینان می‌رسند.

یک قید این‌جوری دارد نه آنجا که احتمال می‌دهد یا ظن دارد یا اطمینان دارد که آن‌ها این وضع را پیدا می‌کنند و اطمینان برای آن‌ها حاصل می‌شود باید یقین داشته باشد که آن‌ها این اطمینان را پیدا می‌کنند. این قید را دارد.

این هم تقسیم سوم است که با این ریزه‌کاری می‌گوییم دلیل شمول دارد منتها نه کامل؛ شمول دارد نسبت به شأنی که قطع دارد اگر مطلع بشوند اطمینان برای آن‌ها حاصل می‌شود.